Original Article Open Access

Health Law Journal

2025; 3: e15

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

Obligations and Challenges Facing the Government in Ensuring Food Security

Sadegh Tariverdi[1*], Mohammad Hossein Sadeghi[2], Hossein Poladi[3]

1. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
2. Judges of the Supreme Court, Tehran, Iran.
3. Judicial Member of the Medical Disciplinary Board, Kermanshah, Kermanshah, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Today, food security is one of the most important and fundamental concerns and needs of humans and governments play a key role in providing sufficient and healthy food and ultimately maintaining and promoting health at the community level. The right to food security has always been considered as one of the foundations of people's fundamental rights in every system of government, especially the constitution of countries and providing healthy food and enjoying a healthy life are among the inalienable rights of citizenship, so that one of the characteristics of an ideal society is having a desirable health status in light of access to sufficient and nutritious food.

Methods: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical. Information was collected through library research and by referring to legal documents, books and articles.

Ethical Considerations: Throughout all stages of writing this research, honesty and trustworthiness have been observed, while respecting the originality of the texts.

Results: The findings of this research show that the right to food security is an important indicator in the field of human, economic and national security development and provides the basis for the realization of other human rights for individuals.

Conclusion: The results of the study indicate that although the government's role in providing people with access to food and healthy nutrition in terms of quality in Iran may be far from its desirable and acceptable status, providing sufficient and healthy food is one of the basic components of the development and health of society and governments are responsible for it.

Keywords: Government; Food Security; Healthy and Sufficient Food; Nutrition Rights

Corresponding Author: Sadegh Tariverdi; **Email:** tariverdi2011@gmail.com

Received: August 04, 2025; **Accepted:** September 28, 2025; **Published Online:** November 28, 2025

Please cite this article as:

Tariverdi S, Sadeghi MH, Poladi H. Obligations and Challenges Facing the Government in Ensuring Food Security. Health Law Journal. 2025; 3: e15.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

Copyright©2025, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره سوم، ۱۴۰۴

تعهدات و چالش‌های فراروی دولت در تضمین امنیت غذایی

صادق تاری‌وردی[۱*]، محمدحسین صادقی[۲]، حسین پولادی[۳]

۱. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. قاضی دادسرای دیوان عالی کشور، تهران، ایران.

۳. عضو پزشکی قانونی هیأت انتظامی پزشکی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امروزه تأمین غذا یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دغدغه‌ها و نیاز انسان‌ها می‌باشد و دولت‌ها نقش کلیدی در تأمین غذای کافی و سالم و نهایتاً حفظ و ارتقای سلامت در سطح جامعه بر عهده دارند. حق بر امنیت غذایی همواره به عنوان یکی از پایه‌های حقوق اساسی مردم در هر نظام حکومتی به ویژه قانون اساسی کشورها مورد توجه بوده است و تأمین غذای سالم و برخورداری از زندگی سالم در زمره حقوق مسلم شهروندی قرار داشته، به نحوی که از شاخصه‌های جامعه ایده‌آل، داشتن وضعیت سلامت مطلوب در پرتو دسترسی به غذای کافی و مغذی است.

روش: این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی ـ تحلیلی است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات حقوقی صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد حق بر امنیت غذایی شاخصی مهم در زمینه توسعه انسانی، اقتصادی و امنیت ملی است و زمینه تحقق سایر حقوق بشری را برای اشخاص فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری: نتایج بررسی حکایت از آن دارد، هرچند کارکرد دولت در دسترسی مردم به غذا و تغذیه سالم از حیث کیفی در ایران ممکن است با وضعیت مطلوب و قابل قبول آن فاصله داشته باشد، لیکن تأمین غذای کافی و سالم یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه و سلامت جامعه است و دولت‌ها در قبال آن مسئول می‌باشند.

واژگان کلیدی: دولت؛ امنیت غذایی؛ غذای سالم و کافی؛ حقوق تغذیه

نویسنده مسئول: صادق تاری‌وردی؛ **پست الکترونیک:** tariverdi2011@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۷/۰۶؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۹/۰۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Tariverdi S, Sadeghi MH, Poladi H. Obligations and Challenges Facing the Government in Ensuring Food Security. Health Law Journal. 2025; 3: e15.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

مقدمه

امنیت غذایی زیر بنای امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و از معیارهای توسعه انسانی بوده و دستیابی به آن از اهداف اصلی هر دولت به شمار رفته و از ارکان حکمرانی خوب و عادلانه به حساب می‌آید، به طوری که از منظر ارزش‌های بنیادین به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق فرد و جامعه محسوب می‌شود. موجودبودن، عرضه غذای سالم و کیفی، سهولت دسترسی و قدرت خرید از ارکان امنیت غذایی می‌باشد (۱). دسترسی به غذای سالم و کافی و تأمین آن یکی از مقوله‌هایی بوده که از دیرباز مورد توجه بشر بوده و دولت‌ها تلاش می‌کنند تا شرایطی را فراهم نمایند تا مردم از حداکثر سطح سلامت با استفاده از تغذیه سالم و کافی بهره‌مند شوند، اما در گذشته، مقوله تأمین غذا به عنوان یک پدیده اجتماعی تلقی نمی‌شده و بیشتر به عنوان یک پدیده فردی به حساب می‌آمده است، لیکن امروزه امنیت غذایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی و از مهم‌ترین محورهای توسعه انسانی به شمار می‌آید. تأمین کمی و کیفی غذا در حال حاضر نه‌تنها شاخصی برای تأمین تخمین میزان توسعه‌یافتگی یک کشور از جهات اقتصادی است، بلکه به عنوان عاملی سیاسی و اجتماعی به عنوان امنیت ملی کشورها گردیده است.

به عبارتی دیگر تأمین «امنیت ملی» اصلی‌ترین اهداف کلان حاکمیت‌های سیاسی محسوب می‌شود. امنیت ملی شامل قلمروهای مختلفی، از جمله امنیت غذایی است. امروزه ارتقای ضریب امنیت غذایی یکی از خواسته‌های اصلی نخبگان سیاسی کشورهای جهان می‌باشد و حتی این امر در کشورهای صنعتی از حساسیت فراوانی برخوردار است (۲)، به طوری که این موضوع از مهم‌ترین اولویت‌هایی است که همیشه از سوی سیاستگذاران دولت‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. عوامل مختلفی، از قبیل افزایش قیمت‌های جهانی مواد غذایی، تغییرات جوی و گرم‌شدن دمای کره زمین، استفاده از محصولات غذایی در تولید سوخت‌های زیستی، جهانی‌شدن اقتصاد و نظام‌های تولید، فرسایش منابع طبیعی در سطح جهانی از چالش‌های عمده امنیت غذایی می‌باشد (۳).

به طوری که با شکل‌گیری حکومت‌های مردم‌سالار تأمین غذا به عنوان یک حق و درخواست اجتماعی در مجموعه وظایف دولت‌ها و تعهدات بین‌المللی آن‌ها قرار گرفته است. بی‌توجهی به این مسأله در مرحله اول تهدیدی علیه امنیت آن‌ها و در مرحله بعدی تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی است. این رویکرد و بینش کشورهای جهان و در نتیجه مداخلات مورد انتظار برای تحقق اهداف، نظام تأمین سلامت و امنیت غذایی را دگرگون نموده است. در سال‌های اخیر نظام‌های سلامت کشورها تلاش کرده تا تأمین غذای سالم و کافی مردم را به عنوان یک اولویت در سیاست‌های کلان خود مورد توجه قرار داده و آن‌ها را موظف به تأمین این حق بدون در نظرگرفتن تبعیض جنسی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نمایند، به طوری که امروزه تأمین غذای افراد جامعه به عنوان پایه‌های اصلی حقوق انسانی از رسالت خطیر دولت‌ها به حساب می‌آید.

در جمهوری اسلامی ایران این موضوع از جنبه‌های دیگر نیز اهمیت می‌یابد، به طوری که یکی از مهم‌ترین مسائل دین اسلام توجه بر تغذیه و سلامت جسمانی است و بعضی از واجبات و محرمات الهی برای تأمین سلامتی و پیشگیری از ابتلا به امراض روحی و روانی تشریح شده است که این موضوع اهمیت جایگاه تغذیه سالم را تبیین می‌نماید. به طوری که از این نظام ایدئولوژیک انتظار می‌رود در این زمینه بتواند به جایگاه کشورهای پیشرو دست یابد و یک نمونه موفق را بر مبنای متفاوت عرضه کند، اما با این همه امنیت غذایی در ایران با نارسایی‌ها و خلأهای بسیاری مواجه بوده و هست و تا نظام تغذیه مطلوب و استاندارد فاصله دارد.

فرضیه ما در این پژوهش بر اساس پاسخ به پرسش‌های اساسی چندگانه شکل می‌گیرد: نخست اینکه دولت چه وظایفی در قبال تحقق امنیت غذایی شهروندان بر عهده دارد و در این ارتباط چه اهداف و سیاست‌هایی را باید دنبال کند؟ دولت در حوزه تأمین غذای کافی و سالم با چه چالش‌هایی رو به رو می‌باشد؟ آیا دولت در تحقق تأمین امنیت غذایی شهروندان موفق بوده یا خیر؟

در این نوشتار هدف آن است ضمن بررسی قوانین داخلی و بین‌المللی در ارتباط با حق بر تأمین غذای سالم و کافی،

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تعهدات دولت در قبال این حق و میزان موفقیت دولت در این زمینه و چالش‌های فراروی دولت در حوزه تأمین غذا مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی ـ تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد حق بر امنیت غذایی شاخصی مهم در زمینه توسعه انسانی، اقتصادی و امنیت ملی است و زمینه تحقق سایر حقوق بشری را برای اشخاص فراهم می‌کند.

بحث

۱. حق بر امنیت غذا از منظر قوانین داخلی و بین‌المللی: به منظور بررسی وظایف دولت و حاکمیت در قبال حق شهروندان بر تأمین غذا لازم است به بررسی قوانین جاری داخلی و بین‌المللی پرداخته شود. بررسی این قوانین از حیث حق آحاد مردم بر غذای سالم و کافی می‌تواند نگاه کلان دولت و انتظارات مردم را روشن سازد.

۱-۱. حق بر تأمین غذا از منظر قوانین داخلی: در قوانین و مقررات ایران به صورت پراکنده به موضوع تغذیه و امنیت غذایی پرداخته شده است. اصول قانون اساسی، قوانین و سیاست‌های کلی برنامه‌های دوم تا هفتم توسعه و سند چشم‌انداز در افق سال ۱۴۰۴ به تبیین جایگاه امنیت غذایی در میان شاخص‌های مذکور پرداخته‌اند که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱-۱-۱. قانون اساسی: اکثر قوانین اساسی کشورها به صراحت حق مردم را بر تأمین غذا مورد تأیید قرار می‌دهند، ولو اینکه به تعیین حدود و ثغور و همچنین مصادیق آن نمی‌پردازند. اساساً هدف از بیان چنین اصولی در قانون اساسی، تضمین بنیادی‌بودن آن‌ها است، به نحوی که نتوان با تصویب قوانین و مقررات پایین‌دستی، آنان را نسخ کرد. این اصول قانونی مطالبه‌کننده حقوق بنیادین اجتماعی را می‌توان به عنوان «تضمین‌های بنیادین» تفسیر کرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول مرتبط در بیان حقوق مردم و وظیفه حاکمیت در قبال سلامت مردم عبارتند از:

طبق بند ۱۲ اصل سوم پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه از وظایف دولت است.

بند ۱ اصل ۴۳، تأمین نیازهای اساسی یعنی بهداشت، خوراک، مسکن، آموزش و پرورش، پوشاک، درمان و امکانات مورد نیاز جهت تشکیل خانواده برای همه را یکی از ضوابطی می‌داند که اقتصاد ایران باید بر اساس آن استوار گردد (۴).

۱-۱-۲. سند چشم‌انداز: در سند چشم‌انداز بیست‌ساله که تصویر آرمانی برای تحقق آرمان و آرزوهای ملت طی بیست‌ساله آینده است، توصیف جامعه سالم ایرانی بر ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی که منجر به سلامت می‌شوند، تأکید گردیده است. در این سند موارد تأکیدات مربوط به بخش امنیت غذایی اجمالاً عبارت است از: تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی، مهار تورم و افزایش قدرت خرید گروه‌های متوسط و کم‌درآمد، تأمین امنیت غذایی کشور و خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی و توسعه پایدار روستاها.

۱-۱-۳. قوانین عادی: قوانین اساسی تمامی کشورها، یک نقش کلیدی را در شکل‌دادن نظام‌های ملی، تأمین سلامت را برای قانونگذاری عادی پیش‌بینی می‌کنند. در کشور ما در ارتباط با موضوع تغذیه قوانین بسیاری تنظیم شده است که از

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به قوانین برنامه، من‌جمله قانون برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی اشاره کرد. با این توضیح که ماده ۳۲ از فصل هفتم برنامه هفتم و سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی به امر امنیت غذایی اختصاص یافته است که اختصارا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره خواهیم نمود:

۱ـ کاهش واردات نهاده‌های دامی تاریخته سالانه به میزان ۵ درصد؛

۲ـ کاهش فرسایش خاک در پایان برنامه حداقل به میزان ۲۰ درصد؛

۳ـ توسعه کشاورزی فراسرزمینی به میزان دو میلیون هکتار در پایان برنامه؛

۴ـ تولید محصولات گلخانه‌ای حداقل به میزان ده میلیون تن در پایان برنامه؛

۵ـ کاهش واردات نهاده‌های دامی تاریخته سالانه به میزان ۵ درصد.

۱-۱-۴. سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی: سند ملی دانش‌بنیان امنیت غذایی در افق ده‌ساله مشتمل بر چشم‌انداز، اهداف کلان کمی و راهبردها و اقدامات ملی است که بیش از ۳ هزار شاخص ارزیابی و ۲۰ گزارش سیاستی نیز از آن پشتیبانی می‌کند. تصویب این سند در صحن شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور سران سه قوه، اشخاص حقوقی مرتبط با حوزه امنیت غذایی، از جمله وزیر جهاد کشاورزی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان رییس‌جمهور و اعضای حقیقی منصوب مقام معظم رهبری در این شورا انجام شده است. با توجه به جایگاه فرادولتی شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبات این شورا با تغییر دولت‌ها دچار تغییر و اختلال نمی‌شود. بنابراین این سند با برخورداری از ویژگی ثبات و پایداری، می‌تواند نقش منحصر به فردی در ایجاد همگرایی در سطوح مختلف حکمرانی و پیگیری یک راهبرد مشخص در بلندمدت را ایفا کند، البته تحقق این نقش در گرو راهبری و پیگیری مجدانه اجرای سند توسط مرجع تصویب آن و همچنین مشارکت مؤثر سایر دستگاه‌ها و نهادهای نظارتی است. با توجه به اینکه پیگیری سیاست خودکفایی بدون توجه به ظرفیت‌های منابع طبیعی، امنیت غذایی کشور در بلندمدت را با مخاطره مواجه می‌کند، جبران روندهای تخریب منابع طبیعی در گذشته و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی از طریق افزایش بهره‌وری رویکرد محوری در سند ملی دانش‌بنیان امنیت غذایی است. این امر جز از طریق رسوخ فناوری و نوآوری در تمام اجزای حوزه امنیت غذایی محقق نمی‌شود. رسوخ فناوری و نوآوری در طول زنجیره تولید تا مصرف به اشکال مختلفی، از جمله بهره‌برداری اصولی از منابع پایه آبی و خاکی، استفاده از نهاده‌های فناورانه در تولید محصولات کشاورزی برای ارتقای بهره‌وری تولید و افزایش کیفیت و سلامت محصولات، ارتقای دانش و مهارت نیروی انسانی فعال در حوزه امنیت غذایی، ساماندهی توزیع و بازار محصولات غذایی و افزایش دانش و فرهنگ مصرف محصولات غذایی می‌تواند زمینه تحول دانش‌بنیان این حوزه و تحقق امنیت غذایی بدون نگرانی از ناپایداری منابع طبیعی پایه را فراهم کند.

تصویب و ابلاغ سند ملی دانش‌بنیان امنیت غذایی اولین‌گام برای ایجاد همگرایی و حرکت مستمر و همه‌جانبه به سمت تحقق امنیت غذایی است. استمرار این حرکت در وهله اول مستلزم آن است که دولت تدابیر لازم را برای استقرار ساختار و سازوکار راهبری اجرای سند و نظارت بر روند اجرای آن اتخاذ کند، پس از آن با تدوین و نهایی‌سازی نقشه راه اجرای سند، برنامه‌های عملیاتی ذیل سند و وظایف دستگاه‌ها تعیین خواهد شد. همچنین با پایش مستمر وضعیت شاخص‌های موجود در سند، امکان رصد وضعیت اجرای سند و شناسایی موارد انحراف احتمالی ممکن است.

۱-۲. حق بر تغذیه و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی: حق بر تغذیه و امنیت غذایی به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری به رسمیت شناخته شده است. در عین حال، همزمان با گرایش به روند مطالبات حقوق نسل اول بشر، جهان شاهد مطالبه جدید گردید که به تعبییر عده‌ای حقوق نسل دوم

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

می‌باشد. این حقوق که به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معروف است، در واقع شامل حقوقی می‌شوند که تعهداتی ایجابی برای دولت‌ها به دنبال دارند، به گونه‌ای که اصولاً آن‌ها مکلف به انجام اقدامات مثبت و اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های عملی برای تحقق این حقوق می‌باشند، بدین‌ترتیب طبق بیان محققان، سه دسته مسئولیت برای دولت‌ها قابل احراز می‌باشد که عبارتند از تعهد به حمایت، تعهد به ایفای کامل و تعهد به رعایت این حقوق. حق بر غذا، هم بر اساس دسته‌بندی ناشی از نحوه و چگونگی مطالبه و هم دسته‌بندی نسل دومی، از دسته حقوقی است که دولت به ویژه مسئول رعایت، حمایت و ایفای آن است، هرچند که به نظر می‌رسد چنانچه عده‌ای بر این عقیده‌اند حق بر غذا حقی است اساسی و یا به عبارت دیگر در مرکز چهار راه حقوق قرار دارد، چراکه غذا بنیادی‌ترین نیاز اولیه بشر برای زنده‌ماندن است و تمام حقوق دیگر اصولاً برای انسان زنده معنا می‌یابد (۵). مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در ارتباط با انعکاس حقوق تغذیه عبارتند از:

۱ـ بر اساس ماده ۶۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها در صورت لزوم، پروتکل‌ها یا موافقت‌نامه‌های خاص مکمل مقررات این منشور خواهند بود، یکی از این پروتکل‌ها، پروتکل الحاقی به این منشور در مورد حقوق زنان در آفریقا است که مسأله تغذیه را مورد توجه قرار داده است. ماده ۱۵ این پروتکل به حق بر امنیت غذایی اختصاص یافته است؛

۲ـ در بند دوم از ماده ۱۴ منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک، تضمین غذای کافی و آب آشامیدنی سالم برای کودکان تکلیف دولت دانسته شده است؛

۳ـ بر اساس اصول ۲۵ تا ۲۸ از مجموعه اصول لیمبرگ در مورد تحقق میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت‌های عضو میثاق صرف نظر از سطح توسعه اقتصادی‌شان، مکلف به تضمین حداقل‌های حقوق مندرج در آن برای افراد هستند و منظور از منابع دولت، هم منابع موجود در داخل آن است و هم منابعی که از طریق ماهیت تعهدات دولت‌ها در خصوص حق بر غذا از منظر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه همکاری و کمک‌های بین‌المللی در اختیار آن دولت قرار می‌گیرد؛

۴ـ ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو مربوط به حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ، مصوب ۱۹۴۹؛

۵ـ ماده ۲۰ کنوانسیون سوم ژنو سال ۱۹۴۹ در مورد وظیفه دولت بازداشت‌کننده اسیران جنگی مبنی بر تأمین آب آشامیدنی و غذا به مقدار کافی، پوشاک و مراقبت پزشکی؛

۶ـ موافقت‌نامه بین‌المللی غلات (۱۹۹۵ م.) شامل کنوانسیون تجارت غلات و کنوانسیون کمک غذایی.

بنابراین، چنانچه در اسناد مختلف شاهد هستیم حق بر غذا به عنوان یک حق، در برابر تکلیف دولت و جامعه جهانی با عنایت به فردگرایی حقوق بشر قابلیت استیفا دارد (۵).

۲. ضرورت تأمین امنیت غذایی برای شهروندان توسط دولت: از آنجا که امنیت غذایی شهروندان به طور مستقیم با رفاه و کرامت انسانی در ارتباط است، همواره به عنوان یکی از عوامل اصلی در ارزیابی توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود. تأمین امنیت غذایی و رفع سوءتغذیه شهروندان به عنوان یکی از حقوق بشر شناخته‌شده ذیل نسل دوم حقوق بشر بوده و در بیانیه‌ها و کنوانسیون‌ها و دیگر اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق بشری به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. تأمین امنیت غذایی و امکانات رفاهی برای شهروندان از مهم‌ترین اصول اساسی دولت‌ها به شمار می‌رود. دولت مسئولیت دارد که برای کاهش فقر غذایی و تأمین حداقل‌ترین امکانات رفاهی برای شهروندان برنامه‌ریزی‌های منطقی اتخاذ نماید. امنیت غذایی، حق دسترسی به غذا و تضمین رهایی شهروندان از گرسنگی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در دولت است. اهمیت امنیت غذایی و امکانات رفاهی به عنوان یک مسأله اساسی و دغدغه مردم است و از دولت خود انتظار دارند که در قبال تأمین مواد غذایی و امکانات رفاهی مسئولیت داشته باشد (۶).

۳. تعهدات دولت در قبال امنیت غذایی: تأمین غذای سالم و کافی حق عمومی است و تأمین آن از وظایف خطیر دولت‌ها است، به طوری که قانون اساسی جمهوری اسلامی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

ایران، برای افراد جامعه حقوق مادی و معنوی گوناگونی را که تأمین آن برای دولت ایجاد تکلیف کند، مقرر داشته است (۷). اصل ۲۹ قانون اساسی به صراحت حق بر سلامتی را حقی همگانی اعلام داشته و دولت را مکلف به تأمین این حق از محل منابع عمومی برای آحاد جامعه نموده است. از طرفی سلامت افراد جامعه در گرو تأمین غذای با کیفیت، سالم و متناسب با نیاز مردم است که لازم است دولت‌ها بسترهای لازم را جهت حمایت از حقوق سلامت آحاد جامعه تأمین نمایند.

امروزه یکی از دغدغه‌های بنیادی دولت‌ها فراهم‌نمودن امکان دسترسی مردم به غذای کافی و سالم می‌باشد. این خواسته و نیاز اساسی زمانی حاصل می‌شود که مردم در همه اوقات به مقدار کافی مواد غذایی با کیفیت متناسب با نیازهای خود مصرف کنند. دولت‌ها در قبال این دولت‌ها در قبال این موضوع مهم مسئول هستند، چراکه در صورت کم‌کاری و نادیده‌انگاشتن آن‌ها سلامت شهروندان به خطر می‌افتد و زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آمد.

ایجاد امنیت غذایی به منظور حفظ سلامت و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی از ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت است. دولت موظف بود طبق ماده ۳۱ برنامه ششم توسعه برای حصول اهداف بندهای ششم و هفتم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در جهت تأمین امنیت غذایی برای رهایی از چنگال فقر، گرسنگی و سوءتغذیه بسیج مادی و معنوی هدفدار و همگانی جامعه اقدامات لازم را بنماید. وظیفه اجلاس و سازمان‌های بین‌المللی و تخصصی کمک به شناخت عوامل محدودکننده توسعه پایدار، تبیین راهبردهای عملی، اخلاقی، شکستن انحصارها در زمینه دانش فنی، تولید کافی مواد غذایی و توزیع عادلانه آن‌ها در سراسر جهان است تا پایداری امنیت غذایی جامعه بشری تأمین گردد (۸).

۳-۱. مسئولیت و تعهدات دولت‌ها در خصوص حق بر غذا از منظر حقوق بشر: در خصوص مسئولیت و تعهدات حقوق بشری دولت‌ها یک چهارچوب تحلیلی حاوی سه نوع تعهد مطرح است: ۱ـ تعهد به رعایت؛ ۲ـ تعهد به حمایت؛ ۳ـ تعهد به ایفای حقوق بشر.

مهم‌ترین تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر تأمین غذا بر اساس کمیسیون حقوقی بین‌الملل به شرح زیر است: کمیته حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در تفسیر بند ۱۵ شماره ۱۲ چنین بیان کرده است: دسترسی به غذای کافی، لازمه‌اش آن است که دولت‌های عضو از هر نوع عملی که منجر به جلوگیری از دسترسی به غذا شود، خودداری کنند. برای تعهد به حمایت باید تدابیری لحاظ شود که تضمین کند که اشخاص و سایر شرکت‌ها، جلوی دسترسی اشخاص به غذای کافی را نمی‌گیرند. تعهد به ایفا، یعنی دولت عضو باید به طور فعالانه در اعمالی که هدف آن‌ها بهره‌مندی از منابع و وسایل کافی و نیز دسترسی اشخاص برای تضمین امرار معاش مثل امنیت غذایی است، مشارکت کنند؛ دوم هنگامی که شخص یا گروهی از اشخاص به دلایلی خارج از کنترلشان قادر به بهره‌مندی از حق خویش بر غذای کافی یا وسایل موجود در اختیارشان نباشند، دولت‌ها مکلف‌اند که آن حق را به صورت مستقیم تأمین کنند، مانند تعهدی که نسبت به قربانیان بلایای طبیعی انجام می‌شود (۹).

در تعهد به احترام هر اقدامی که منجر به جلوگیری از دسترسی غذا می‌شود، منع شده است. کمیته در تفسیر عمومی شماره ۸، در رابطه میان تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده است که می‌بایست تمایزی میان هدف اصلی اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی به قشر حاکم دولت برای همگام‌شدن با مقررات حقوق بین‌الملل و به موازات آن تحمیل فشار بر آسیب‌پذیرترین افراد درون دولت مورد هدف، صورت گیرد (۱۰)، حتی شورای امنیت نیز در اعمال تحریم‌ها با محدودیت‌هایی به موجب مقررات حقوق بین‌الملل عام، قواعد آمره، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مواجه است (۱۱).

در تعهد به حمایت دولت باید مانع مداخله اشخاص ثالث از بهره‌مندی افراد از حق غذا شود. در تعهد به ایفا دولت باید به طور خودجوش و فعالانه از طریق قوانین و مقررات مربوطه امنیت غذایی را در سطح خانواده گسترش داده و مردم را از

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

حقوقشان نسبت به غذا آگاه نموده و اگر در هر زمان فرد یا گروهی بنا به دلایلی قادر به تأمین غذای خود نباشند، این وظیفه دولت است که بر اساس تعهد به فراهم‌کردن آن غذا را در اختیار آن‌ها قرار دهد (۱۲).

معمولاً دولت‌ها در رابطه با تأمین غذای سالم و تضمین امنیت غذایی به چهار نحو فعالیت می‌کنند. این فعالیت‌ها عبارتند از: ۱ـ سیاستگذاری؛ ۲ـ تأمین غذای سالم و کافی؛ ۳ـ تدوین قوانین و مقررات که به شرح ذیل به تبیین و تشریح هر یک پرداخته خواهد شد.

۳-۱-۱. سیاستگذاری: منظور از سیاستگذاری تدوین برنامه در سطح کلان برای تضمین امنیت غذایی می‌باشد و تجزیه و تحلیل وضعیت موجود نظام تغذیه مهم‌ترین نقش را در تدوین سیاستگذاری بر عهده دارد.

سیاستگذاری اولین وظیفه بالقوه دولت است. در این خصوص وظیفه دولت، تبیین نقش سازمان‌های مختلف مسئول تغذیه مانند وزارت بهداشت، وزارت کشاورزی، وزارت صنعت و تجارت و سازمان دامپزشکی و... است. با توجه به موارد پیش‌گفته، در عمل ارتباط بسیار نزدیکی میان سیاستگذاری و تدوین برنامه وجود دارد.

دولت به واسطه سیاستگذاری نقش کلیدی و بسیار قوی بر تغذیه و سلامت شهروندان دارد. دولت می‌بایستی در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های خود، تأمین تغذیه همگانی بر اساس نیاز کمی و کیفی شهروندان و نه توانایی خرید آنان بدون توجه به قومیت، مذهب، جنسیت و منطقه جغرافیایی با نگاه عدالت‌محور و افزایش کارایی و کیفیت تغذیه و حفظ جایگاه و شأن کرامت انسانی را مد نظر قرار دهند. به عبارتی هدف نهایی دولت از سایستگذاری در نظام تغذیه می‌بایستی متوجه تحول در نظام ارائه تغذیه به مردم از طریق کاهش میزان نابرابری و افزایش کیفیت سطح زندگی گردد. با توجه به اینکه از اهداف اقتصاد مردم‌سالار این است که مردم عمر طولانی و زندگی سالم‌تری داشته باشند که در کشور ما جهت تحقق عدالت اجتماعی و گسترش آن و ارتقای سلامت در جامعه در راستای بند ۱ اصل ۱۲ و بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی دولت با تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله و تدوین نقشه جامع سلامت و تدوین برنامه‌های توسعه و سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی اقدام به سیاستگذاری کلان در بخش تغذیه نموده است.

امروزه یکی از دغدغه‌های سیاستگذاران نظام تغذیه در ایران، نابرابری‌های موجود در وضع دسترسی کافی و سالم به غذا است، اگرچه سطح کلی تغذیه مردم و شاخص‌های مربوط به آن افزایش یافته، ولی هنوز بسیاری از نقاط کشور از نابرابری تغذیه و دسترسی به غذای سالم و کافی رنج می‌برند. علت اصلی بسیاری از نابرابری‌ها، خارج از حیطه اختیارات نظام تغذیه کشور می‌باشد و عواملی از قبیل بی‌سوادی، کمبود درآمد خانوارها به دلیل توزیع ناعادلانه ثروت، نداشتن آگاهی و شیوه‌های نادرست زندگی و طبقه پایین اجتماعی، از جمله عواملی هستند که در شرایط کنونی بر تغذیه و سلامتی مردم تأثیرگذار هستند که نادیده‌گرفتن آن‌ها موجب عدم تحقق اهداف حوزه تغذیه و برقراری برابری در این حوزه خواهد شد.

۳-۱-۲. تأمین غذای سالم و کافی: یکی از وظایف دولت تأمین غذای سالم و کافی شهروندان می‌باشد، به طوری که دولت می‌بایستی دسترسی عادلانه به تغذیه سالم و کافی را برای آحاد جامعه فراهم و کلیه موانع دسترسی به غذای سالم را از میان بردارد. امنیت غذایی زمانی به دست می‌آید که همه مردم همواره به غذای کافی، سالم، مغذی و حلال دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و این غذا نیازهای فرد برای یک زندگی سالم و فعال را فراهم سازد.

در راستای تأمین این هدف دولت مکلف است تأمین امنیت غذایی با تکیه بر تولید از منابع داخلی و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی، ارتقای سطح سلامت مواد غذایی تا استاندارد جهانی، اصلاح و بهینه‌سازی الگوی مصرف و حمایت مؤثر از تولید و صادرات در محصولات دارای مزیت‌های نسبی و ایجاد مزیت‌های جدید، از جمله هدفمندنمودن یارانه‌ها در جهت تولید و صادرات، ارتقای بهره‌وری از آب در تولید محصولات کشاورزی و استفاده علمی و بهره‌برداری بهینه از سایر نهاده‌های تولید، گسترش زیرساخت‌ها و ایجاد انگیزه برای

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

جذب و توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با پوشش مناسب بیمه، کاهش احتمال زیان تولید، اجرای سیاست‌های حمایتی و متعادل‌کردن سطح سودآوری کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصادی، تخصیص یارانه هدفمند به بخش کشاورزی در جهت تحقق خودکفایی، حمایت از ساخت زیربناها، مراعات معیارهای زیست‌محیطی، قابلیت انعطاف در شرایط محیطی مختلف و ارتقای قدرت رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی و افزایش استحصال آب و به حداقل‌رساندن ضایعات طبیعی و غیر طبیعی آب در کشور از هر طریق ممکن انجام دهد.

همچنین به منظور تأمین امنیت غذایی پایدار، راهبردهای مختلفی از سوی دولت‌ها طراحی می‌شود که اعطای یارانه برای دسترسی تمامی افراد جامعه به مواد غذایی یکی از آن‌هاست، پرداخت یارانه به شیوه یکسان میان تمام افراد جامعه، حتی گروه‌های پردرآمد موجب می‌شود که هزینه‌های هنگفت توزیع یارانه‌ها، تا حدودی به هدر رود، در حالی که با پرداخت یارانه‌های هدفمند به گروه‌های کم‌درآمد می‌توان در بهبود الگوی تغذیه این گروه‌ها، به طور مؤثری وارد عمل شد. از این روی برنامه‌ریزی به منظور هدفمندساختن یارانه‌ها یکی از وظایف اصلی دولت در آینده قلمداد می‌گردد (۱۳)، مضافاً اینکه به منظور افزایش در تولید مواد غذایی اقدامات زیر ضروری به نظر می‌رسد: افزایش سطح زیر کشت، افزایش بازده در واحد سطح، تدارک آسان‌تر عوامل تولید، تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی که توجه به آن‌ها یک امر مهم در این مسیر تلقی می‌گردد، استفاده از نهاده‌های پربازده، تغییر الگوی کشت به سمت تولید برای بازار، منطقه‌ای و یکپارچه‌کردن کشت، اصلاح روش‌های آبیاری مانند استفاده از آبیاری تحت فشار جهت جلوگیری از فرسایش خاک، بازرایابی محصولات کشاورزی، استفاده از تناوب کاشت، کاهش سموم (۱۴).

۳-۱-۳. چالش‌های فراروی دولت در تأمین غذای سالم و کافی: مهم‌ترین چالش‌های فراروی دولت در تأمین غذای سالم و کافی نابسامانی بازار و تفاوت زیاد قیمت پرداختی مصرف‌کننده و قیمت دریافتی تولیدکننده، ناکارامدی نظام توزیع به ویژه در شرایط تکانه‌های اجتماعی، اقتصادی و مخاطرات اقلیمی و حوادث غیر مترقبه نابسامانی و پایین‌بودن سهم بازارهای مجازی خرید و فروش محصولات کشاورزی بالابودن نرخ بیکاری و کاهش قدرت خرید خانوار به دلیل پایین‌بودن درآمد و بالابودن سطح عمومی قیمت‌ها، بالابودن سهم هزینه غذا از هزینه خانوارها، فقدان نظام دقیق پایش و ارزیابی خانوارهای زیر خط فقر غذایی و حمایت‌های غذایی از آنان می‌باشد.

۳-۱-۴. راهبردهای اساسی دولت در تضمین امنیت غذایی کشور: از مهم‌ترین راهبردهای دولت در تضمین امنیت غذایی کشور بر اساس سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی کشور می‌توان به ارتقای دانش و فناوری و ضریب نفوذ آن به منظور افزایش متوسط عملکرد، بهره‌وری آب وکاهش هزینه‌های تولید ایجاد و تکمیل زنجیره ارزش شامل نظام تأمین بذر و نشا و معرفی ارقام مناسب، جدید و پرمحصول برای اقلیم‌های مختلف، توجه ویژه به تحقیق، تولید و استفاده از ارقام هیبرید (به ویژه در برنج، کلزا و...)، تأمین به موقع کود و آفت‌کش با کیفیت، توسعه سیستم‌های نوین آبیاری، افزایش ضریب مکانیزاسیون، بهبود عملیات کاشت، داشت و برداشت، توسعه ناوگان حمل و نقل و انبار و نگهداری، توسعه و جانمایی صنایع تبدیلی، تکمیلی، بسته‌بندی و نگهداری به منظور ارتقای کیفیت و ایجاد ارزش افزوده و کاهش تلفات و ضایعات ارتقای کیفیت، ماندگاری و سلامت محصولات، طراحی و استقرار الگوی بهینه کشت، ثبات‌بخشی به بازار و تنظیم زمان و میزان عرضه با توجه تقاضا، تعیین قیمت‌های تضمینی بر اساس هزینه واقعی تولید و سود متعارف، حفظ رابطه مبادله، داخل و خارج بخش، نرخ رسمی تورم و هزینه تمام‌شده محصول مشابه وارداتی، افزایش پایداری تولید و کاهش وابستگی در محصولات اساسی به ویژه برنج، شکر، روغن خوراکی و خوراک دام و طیور پایداری در خودکفایی گندم، حمایت از تولیدات داخلی و تحقیقات در محصولات دارای وابستگی بالا، تنوع بخشی در تولید گیاهان علوفه‌ای کم‌آب‌بر، ارتقای کیفیت علوفه در مراحل تولید،

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

برداشت، نگهداری و سیلو و استفاده از سایر ظرفیت‌های علوفه‌ای، مانند بقایای نیشکر، نخل و پسماند صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی، استفاده از ظرفیت آب سبز در تولید محصولات مهم زراعی، از جمله گیاهان علوفه‌ای، دانه‌های روغنی و حبوبات و غنی‌سازی مراتع ایجاد و تقویت تشکل‌های توانمند و کارآمد به منظور واگذاری امور تصدی‌گری دولت اشاره نمود.

۳-۲. ضرورت خودکفایی دولت در امر کشاورزی و افزایش ضریب امنیت غذایی: برای ارزیابی وضعیت امنیت غذایی، شاخص‌های مختلفی وجود دارد. اصلی‌ترین شاخص‌ها را می‌توان در نسبت واردات به تقاضای کل و همچنین نسبت تولید داخلی بخش کشاورزی به تقاضای کل جامعه خلاصه کرد، بدین‌معنی که با افزایش ضریب امنیت غذایی کاهش و با «واردات» افزایش تولید داخلی، ضریب امنیت غذایی افزایش خواهد یافت. واردات در بخش کشاورزی شامل نهاده‌ها و همچنین محصولات و کالاهای آماده مصرف می‌باشد. واردات کالاها و محصولات کشاورزی از دیگر اجزای واردات است که همواره به کاهش ضریب امنیت غذایی می‌انجامد. هرگاه کشوری دارای زمینه‌های تولید داخلی محصولات و کالاهای وارداتی باشد، ولی به سبب عدم حمایت‌های لازم نتواند از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ملی بهره‌برداری لازم را به عمل آورد، ضریب امنیت ملی دارای وضعیت نگران‌کننده‌تری خواهد بود، چراکه تولید داخلی برطرف‌کننده نیازهای وارداتی است و حال آنکه حجم واقعی واردات نیز به میزان ارز موجود و قیمت‌های جهانی وابسته است. از این رو با در نظرگرفتن موارد فوق، نمی‌توان به واردات به عنوان راه حلی مناسب در امنیت غذایی نگاه کرد، بلکه باید به درجه خودکفایی بالا و وابستگی کمتر به واردات تأکید نمود (۱۲).

به نظر می‌رسد اگر واردات برنامه‌ریزی شده و برای کنترل بازار و تأمین ذخایر راهبردی باشد، دارای توجیه منطقی خواهد بود، اما اگر وردات بی‌رویه و بدون برنامه باشد، موجب ورود خسارت به بنیان‌های تولید داخلی و اشتغال خواهد بود و دارای آثار منفی به ضریب امنیت غذایی است.

۳-۲-۱. افزایش خود کفایی دولت در تولید محصولات اساسی: از دیگر مؤلفه‌های امنیت غذایی وضعیت تراز تجاری کل محصولات کشاورزی می‌باشد. با توجه به روند نزولی ضریب خود کفایی در محصولات اساسی که طی این سال‌ها به وقوع پیوسته است، متأسفانه این وضعیت در تراز تجاری کل نیز انعکاس داشته است، بدین‌معنی که به سبب افزایش بیشتر واردات نسبت به صادرات، تراز تجاری کل منفی گردیده که نوعی تهدید علیه امنیت غذایی محسوب می‌شود.

۳-۳. تدوین قوانین و مقررات: در این حالت، دولت در خصوص تضمین امنیت غذایی به طور مستقیم دخالت می‌کند. فعالیت‌های مربوط به تدوین مقررات برخلاف فعالیت‌های سیاستگذاری بوده و در واقع مکانیسمی برای تضمین اجرای سیاست‌ها است. از مهم‌ترین این مقررات می‌توان به برنامه‌های توسعه من‌جمله برنامه توسعه هفتم و سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی اشاره نمود.

از چالش‌های مهم فراروی نظام تغذیه در این ارتباط عدم بازنگری و اصلاح مقررات مربوط به گذشته می‌باشد، به طوری که اکثر متون قانونی پاسخگوی انبوه سؤالات و مسائل مستحدثه را ندارد. بنابرین با توجه به ضرورت‌های موجود بر متولیان امور تغذیه لازم است تا قوانین و اهرم‌های نظارتی را با مقتضیات زمان منطبق و بازنگری در قوانین و اصلاح آن‌ها را به عنوان یک واقعیت غیر قابل اغماض وجهه همت خود قرار دهند، زیرا بسیاری از قوانین از بدو تاریخ قانونگذاری کشور (۱۲۹۰ ش.) که تاکنون وضع و به تصویب رسیده‌اند، در طول سال‌ها با الحاقات و اضافات برای تأمین اغراض خاص به نیت اصلاح‌کردن که جزء به نسخ آن چاره نمانده است، در حالی که مشکل لاینحل باقی و نیازهای زمان هم مزید آن مشکلات شده است.

نتیجه‌گیری

سلامت فردی که در نتیجه تغذیه سالم و کافی حاصل می‌گردد، مهم‌ترین وضعیت مطلوب و کرامت هر انسانی محسوب می‌شود. از این روی حق بر تغذیه سالم به عنوان یکی از

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

حقوق بنیادین بشری در نظام بین‌المللی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها به رسمیت شناخته شده است. امروزه تمامی کشورها به این امر مهم پی برده‌اند که امنیت غذایی یک فرآیند راهبردی است و از آن به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه پایدار یاد می‌کنند و توجه ویژه‌ای نسبت به این امر مبذول داشته‌اند.

در ایران، قانون اساسی و بسیاری از اسناد بالادستی امنیت غذایی را به عنوان یک حق بنیادین به رسمیت شناخته‌اند و آن را در نظام حقوقی خود شناسایی کرده‌اند. امنیت غذایی، حق دسترسی به غذای سالم و کافی از مهم‌ترین اولویت‌هایی است که همیشه از سوی سیاستگذاران دولت‌ها و جامعه بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. عوامل مختلفی از قبیل افزایش قیمت‌های جهانی مواد غذایی، تغییرات جوی و گرم‌شدن دمای کره زمین، استفاده از محصولات غذایی در تولید سوخت‌های زیستی، جهانی‌شدن اقتصاد و نظام‌های تولید، فرسایش منابع طبیعی در سطح جهانی از چالش‌های عمده امنیت غذایی می‌باشد.

یافته‌های حاصل از بررسی اسناد بالادستی بیانگر آن است که به ارکان چهارگانه امنیت غذایی توجه نشده و همچنین عملکرد این اسناد بر اساس اهداف در نظر گرفته شده نبوده است. بنابراین توصیه می‌شود دولتمردان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشوری اهتمام ویژه در راستای تحقق اهداف برنامه هفتم توسعه به عنوان مهم‌ترین برنامه کنونی کشور، را برای دستیابی مؤثر و پایدار به ارکان امنیت غذایی با نظارت کافی و بعضاً سختگیرانه و با پیروی از بیانات مقام معظم رهبری در خصوص اهمیت تأمین امنیت غذایی در دستور کار خود قرار دهند. از طرف دیگر تحریم‌های اقتصادی، کمبود منابع و سوءمدیریت در این حوزه، نظام تغذیه را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده و سالانه هزینه زیادی بر نظام تغذیه و مردم تحمیل می‌شود، اگرچه سطح کلی تغذیه مردم و شاخص‌های مربوط به آن در کشور افزایش یافته، لیکن بخش‌هایی از کشور همچنان از نابرابری در دسترسی به غذای سالم و کافی محروم می‌باشند که نادیده‌گرفتن این موضوع باعث جایگزینی نابرابری به جای عدالت در سلامت اشخاص خواهد شد که دولت با سیاستگذاری‌های درست از طریق تدوین قوانین و مقررات، من‌جمله برنامه‌های توسعه خواهد توانست بخشی از اهداف امنیت غذایی را محقق نماید.

مشارکت نویسندگان

صادق تاری‌وردی: نگارش و تألیف مقاله.

محمدحسین صادقی و محمود عباسی: مشاوره و نظارت بر تدوین مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در تألیف مقاله، از ابزار هوش مصنوعی، بهره برده نشده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

References

1. Prescott MP, Grove A, Bunning M, Cunningham-Sabo L. Characterizing and Assessing the Quality of State K-12 Share Table Policies as a Potential Mechanism to Reduce Food Waste and Promote Food Security. J Nutr Educ Behav. 2020; 52(1): 21-30.

2. Gharib H. Current Situation of Food Security in Iran and Future Outlook. Strategy. 2013; 21(4): 345-369. [Persian]

3. Foroughinia H, Naqvi M, Naqvi A. The nature of states obligations regarding the right to food from the perspective of international human and humanitarian law. Journal of Eslamic Human Rights. 2014; 3(7): 133-159. [Persian]

4. Katouzian N. Fundamentals of Public Law. 1st ed. Tehran: Mizan Publications; 2007. p.123-124. [Persian]

5. Ansari B, Haji Orakpour SH. Criteria for imposing Security Council sanctions and the human rights situation in examining the "right to food" as one of the economic, social and cultural rights. Islamic Human Rights Studies. 2013; 2(3): 143-178. [Persian]

6. Ide O, Krause K, Rosas E. Economic, Social and Cultural Rights. Translated by Amir Arjomand A. 1st ed. Tehran: Agah Publications; 2010. [Persian]

7. Hashemi M. Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Mizan Publications; 2003. Vol.1 p.165-169. [Persian]

8. Hamshahri Newspaper. 2009. No.116. [Persian]

9. Ebrahimgol A. Right to Food, a Prerequisite for Realization of other Rights. International Law Review. 2009; 25(39): 221-243. [Persian]

10. Isborn A, Katarina K, Ellen R. Economic, Social and Cultural Rights, The Right to an Adequate Standard of Living, Including the Right to Food. Leiden: M.Nijhoff Publishers; 1995. p.345.

11. Farokh Siri M. Legal Limitations of the UN Security Council in the Imposition of Economic Sanctions. International Law Review. 2009; 25(39): 29-58. [Persian]

12. Sollner S. The Breakthrough of the Right to Food: The meanifng of General Comment and the Volufntary Guide Line for the International of the Human Right to Food. Max Planck Yearbook of United Nations Law. 2007; 11(1): 391-415.

13. Mobini Dehkordi A. Selecting the best strategic option for Iran's food security a new approach. Journal of Agricultural Economics and Development. 2005; 13(2): 15-35. [Persian]

14. Emadzadeh M, Bakhtiari S, Nasrolahi KH. An Analysis of the Food Security Situation in Iran. Journal of Humanities, University of Sistan and Baluchestan. 2001; 17(Special Issue on Economics and Management): 101-122. [Persian]

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.